

بررسی اثرات اقتصادی اجتماعی اسکان بر کانون‌های اسکان مطالعه موردی: تل شوره و ملایی بلوط (شهرستان کازرون)

دکتر حسین آسایش

دانشیار علمی گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

طوبی امیرعضدی

عضو هیات علمی گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

این تحقیق به بررسی اثرات اسکان عشایر به‌عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی و انسانی پرداخته است که اگر به صورت علمی و با توجه به فرهنگ، آداب و رسوم و خلیات و ... عشایر انجام نشود، جدای از بی‌نتیجه ماندن فعالیت‌های مربوط به اسکان، عامل ایجاد ناهنجاری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی بسیاری خواهد شد. همچنین این تحقیق در نهایت پیشنهاد می‌کند که اسکان بیشتر به‌عنوان ساماندهی عشایر مطرح شود و از اسکان‌های شتاب‌زده به‌طور جدی پرهیز گردد. در این بررسی دو کانون اسکان عشایر تل شوره و ملایی بلوط واقع در محدوده‌ی شهرستان کازرون مورد ارزیابی قرار گرفته است. به منظور بررسی بیشتر و نتیجه‌ی بهینه، از مطالعات میدانی، پرسش‌نامه و مطالعات کتابخانه‌ای و پیش فرض‌هایی که می‌تواند نقش مهمی در زندگی عشایر داشته باشد استفاده شده است. از نتایج مهم این تحقیق آن است که اشتغال بعد از اسکان کاهش یافته است و به بیان واضح اگر اسکان با برنامه نباشد می‌تواند اثرات منفی به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و ... داشته باشد که درباره‌ی منطقه مورد تحقیق نیز صادق است.

واژگان کلیدی: زیست بوم، اسکان، کانون‌های توسعه، ساماندهی.

مقدمه

برای دستیابی و نیل به استراتژی مناسب توسعه زندگی هر جامعه‌ای، مطالعات و بررسی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و شناخت استعدادها بالقوه و بالفعل محیطی و همچنین تنگناهای موجود از ضروریات هر اقدام و برنامه‌ریزی می‌باشد. جامعه عشایری، بنا به خصلت قدیمی خود مبنی بر داشتن نقش مؤثر در مسائل اقتصادی - اجتماعی و در شرایط نیاز کشور حفاظت از تمامیت ارضی ایران زمین، همواره نقش تعیین کننده‌ای را ایفا نموده است. بنابراین، پرداختن به طرح معروف اسکان که سابقه تاریخی داشته، به دلایل مختلف دارای اهمیتی فراوان است (مجموعه مقالات، سال ۱۳۸۳، ص ۲۹۱). اسکان عشایر، دقیقاً یک مسئله اجتماعی و انسانی می‌باشد. این سیاست، کاملاً یک‌جانبه و در راستای یک‌جا نشین کردن عشایر و تغییر در صورت‌بندی اجتماعی آن‌ها صورت گرفته است (Laresen:2001:5).

۱- طرح تحقیق:

۱-۱- تعیین موضوع

از دیر باز ترکیب اجتماعی جمعیت ایران، متشکل از سه جامعه روستایی، عشایری و شهری بوده است. به طوری که روابط اجتماعی و متقابل این سه جامعه، در واقع حیات اجتماعی این مرز و بوم را تشکیل می‌داده است. از بین این سه جامعه، جامعه عشایری عمدتاً نقش کلیدی در ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را ایفا کرده است.

اگر تحولات تاریخ معاصر را در هر یک از سطوح محلی، منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای در نظر بگیریم، ظهور شبکه‌ی حمل و نقل موتوری، افزایش جمعیت و شهرنشینی و رشد استانداردهای زندگی، سیاست‌های کشاورزی چه به طور مستقیم یا غیرمستقیم شدت و میزان استفاده از منابع، از جمله این عوامل هستند (Bailey:1999:266) و با توجه به گرایش فطری انسان به رفاه و آسایش، متوجه خواهیم شد که جماعت کوچنده کشور، تحت تأثیر این تحولات، گروهی خودجوش و گروهی هدایت شده، در مناطق مختلف کشور، در استان فارس به طور اعم و شهرستان کازرون به طور اخص سکونت دائمی اختیار نموده و گروهی دیگر از عشایر همچنان به نظام کوچندگی پای‌بند بوده و آن را با همه سختی‌ها و مشکلات ادامه می‌دهند و همچنان این سؤال را در ذهن شفاف نگه می‌دارند که آیا اساساً اسکان عشایر لازم است؟

شهرستان کازرون، با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی یکی از مستعدترین مناطق قشلاقی استان فارس می‌باشد. این شهرستان بر طبق سامانه‌بندی زیست‌بوم‌های عشایری که تاکنون صورت گرفته، جمعیت عشایری بالغ بر ۳۰/۰۰۰ نفر کوچنده و ۷۰/۰۰۰ نفر ساکن در قالب سه گروه متشکل از سه طایفه دره شوری، کشکولی و فارسیمدان (ایل قشقایی) را در خود جای داده است. این عشایر سالانه با ۲۷/۰۰۰ رأس دام خود در دو مقطع از سال (کوچ بهار و کوچ پاییزه) رفت و آمد می‌کنند (سرشماری عشایر کوچنده، سال ۱۳۷۷، ص ۸). در دو کانون اسکان ملایی بلوط و تل شوره، واقع در شهرستان کازرون، تاکنون بررسی خاصی پیرامون موفقیت یا عدم موفقیت طرح‌های اسکان صورت نگرفته است. در این تحقیق سعی شده با بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی انجام شده، پس از اسکان چالش‌های موجود را شناسایی و با استفاده از دیدگاه‌های عشایر، چگونگی شیوه زندگی عشایری را قبل و بعد از اسکان مورد بررسی قرار داده و در نهایت به ارائه راهکارهای مناسب برای توسعه زندگی عشایر این دو کانون پرداخته شود.

۲-۱- ضرورت تحقیق

شهرستان کازرون، به لحاظ داشتن آب و هوای گرمسیری مناسب از گذشته، اقوام عشایری گوناگونی را در فصل پاییز و زمستان، پذیرا بوده است. گروهی از این عشایر به طور خودجوش بعد از اصلاحات ارضی تخته قاپو شده‌اند و گروهی دیگر همچنان تحت شرایط و قواعد کوچ به کوچندگی خود ادامه می‌دهند. نتایج این رساله با توجه به این که بعد از انقلاب اسلامی برای اولین بار مطالعه‌ی طرح اسکان به صورت سیستماتیک، در منطقه کازرون، اجرا می‌شود، می‌تواند، راهگشای ادامه‌ی این طرح‌ها در کشور باشد. مسائل و مشکلات فعلی را تبیین کند و علاوه بر این چند ضرورت اصلی تحقیق هم به شکل زیر مطرح سازد:

۱- این اولین بار است که بین این دو کانون مطالعه تطبیقی صورت می‌گیرد، و شاید اولین بار در سطح استان.

۲- علیرغم همه‌ی مشکلاتی که در راه این تحقیق وجود داشت، چون مبنا و پایه بسیاری از مطالعات بعدی، برای سایر محققین و علاقه‌مندان جامعه عشایری خواهد بود بسیار لازم به نظر می‌رسد.

۳- برای سازمان‌های امور عشایری و سایر ادارات و سازمان‌های ذیربط، پایه‌ای برای برنامه‌ریزی ساماندهی عشایر و اجرای برنامه‌های کاربردی‌شان خواهد شد.

۴- از نتایج اجرای طرح‌های اسکان و ارزیابی تأثیرات اسکان بر اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی عشایر آگاهی به دست می‌آید.

۳-۱- اهداف تحقیق

اجرای طرح‌های توسعه و اسکان عشایر در دو کانون توسعه ملایی بلوط و تل شوره، دارای اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر زندگی عشایر بوده است. در این تحقیق دو نوع هدف مد نظر بوده است:

۱- اهداف کلی

ارزیابی کلی از نتایج اجرای طرح‌های اسکان بر ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر دو کانون اسکان.

- ارزیابی پیامدهای اسکان بر زندگی عشایر هر دو کانون.

ارائه استراتژی راهبردی برای بهبود زندگی و توسعه پایدار مناطق اسکان یافته.

۲- اهداف اختصاصی

- بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در طرح‌های اجرایی هر دو کانون توسعه.

- بررسی دیدگاه جامعه عشایری نسبت به اسکان.

- بررسی اقدامات انجام شده، چالش‌های موجود و ارائه راهکارهای اجرایی در بهبود وضعیت اسکان عشایر در کانون توسعه ملایی بلوط و تل شوره.

۴-۱- روش‌های تحقیق

روش‌ها و تکنیک‌های مقدماتی گوناگونی در جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق به کار گرفته شد.

اولین گام در راه دستیابی به اهداف تحقیق، جمع‌آوری اطلاعات و دریافتن واقعیت‌هاست (آسایش، حسین و مشیری، رحیم، سال ۱۳۸۱، ص ۱۴۲). روش‌های به کار برده شده در این تحقیق عبارتند از:

۱- جمع‌آوری اطلاعات و منابع: از طریق مراجعه به کتابخانه‌ها و تهیه نقشه‌های GIS از محدوده مورد

مطالعه و تجزیه و تحلیل داده‌های اقلیمی در محیط Excel .

۲- عملیات میدانی و پیمایش: پرکردن پرسش‌نامه‌ها و مصاحبه حضوری با عشایر.

۳- تشخیص و تجزیه و تحلیل یافته‌ها به کمک نرم افزار S.P.S.S.

۱-۵- تکنیک‌های تحقیق

از تکنیک ارزیابی مشارکتی روستایی (P.R.A) در این تحقیق استفاده شده است. پایه این تکنیک شریک شدن پژوهشگر در تحلیل و استنباط عشایر از موفقیت آنان در وضعیت اسکان و کوچ است. در این تکنیک محقق در زمانی که در بین گروه مخاطب خود قرار گرفته، بنای کار خود را از مصاحبه فردی به بحث و گفتگوی خودمانی، از ارتباطات شفاهی به شیوه‌های بصری و دیگرام، از اندازه‌گیری و مطلق‌گرایی به مقایسه و نسبت‌گرایی، و بالاخره از ایجاد معدل و میانگین به تنوعات و گوناگونی قرار می‌دهد (جهانگیری، محمدحسن. سال ۱۳۷۰، ص ۱۰)

۲- مفهوم اسکان:

اسکان عشایر در واقع معطوف و منوط به سکونت دادن بخشی از جمعیت است که در حال کوچ فصلی از محلی به محل دیگر برای امرار معاش هستند، عمدتاً در مورد عشایر کوچنده به کار گرفته می‌شود. کوچندگی و نبود اسکان در بعضی اشخاص به غلط و نادرست عمده‌ترین مشکل این جماعت تصور شده و بنابراین قاطع‌ترین و بهترین و فوری‌ترین و توسعه یافته‌ترین راه حل آن را در اسکان عشایر می‌بینند. در واقع اسکان در نزد آن‌ها به مثابه یک «هدف» مطرح می‌شود و با انجام آن کار را تمام شده می‌بینند. اما حقیقت چیز دیگری است. چرا که این تصور یک برداشت بسیار سطحی و ناشیانه از زندگی عشایر کوچنده و نیز مفهوم توسعه اجتماعی است در حالی که در یک برداشت نسبتاً عمیق‌تر از مفهوم توسعه، اسکان عشایر به عنوان وسیله‌ای است برای رسیدن به یک زندگی متعادل نه یک هدف که فرایند توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عشایر را تسریع می‌نماید. با این نگرش، «اسکان عشایر از دیدگاه رشد و توسعه و تحول عبارت است از: تغییر رفتار اقتصادی و اجتماعی آنان به منظور بهبود کیفیت زندگی و بالا بردن زندگانی خویش و گام گذاردن در مسیر تحول و پیشرفت دائمی (کیاوند، عزیز. سال ۱۳۸۰، صص ۱۷۶ - ۱۷۵).

۱-۲- اسکان از دیدگاه توسعه پایدار:

رویکرد توسعه پایدار، از سال ۱۹۸۰ میلادی در حوزه‌های روستایی، کشاورزی و دامداری ظهور پیدا کرد. عواملی از قبیل افزایش آگاهی محیطی، تعامل بین اقتصاد، دانش، سبک معیشت و اکولوژی، منجر به پیدایش این رویکرد شد. از دیدگاه این پارادایم، رشد و توسعه‌ی جامعه باید در امتداد با بهبود رفاه انسانی و نیز حفظ منابع طبیعی باشد (Puglise.2000:113). به‌طور خلاصه، رهیافت توسعه‌ی پایدار در زمینه‌ی توسعه و ساماندهی عشایر، بیانگر این مطلب است که شیوه‌ی تولید عشایری-که دارای صورت‌بندی خاص خود است، نباید به سادگی و بدون ارتباط با صورت‌بندی اجتماعی بومی-محلی آن دستکاری شود. از این رویکرد، جامعه عشایری به رغم نیاز به توسعه و آگاهی و دانش، نباید به معنای اسکان، روستانشین کردن و یا شهرنشین کردن آنان تفسیر شود. توسعه و ساماندهی عشایر باید متضمن چند نکته باشد که عبارتند از:

- ۱- ملاحظات نهادی
- ۲- ملاحظات اکولوژیکی
- ۳- ملاحظات دانش محلی
- ۴- ملاحظات نهادی
- ۵- ملاحظات اجتماعی - مشارکتی
- ۶- ملاحظات جنسیتی
- ۷- ملاحظات اقتصادی
- ۸- دستکاری نکردن شیوه‌ی تولید عشایری (ا. الیوت. سال ۱۳۷۸، ص ۱۹).

۲-۲- دلایل ضرورت اسکان

واقعیت این است که به رغم این که حکومت‌ها در مقاطعی در اسکان عشایر اهداف سیاسی و نظامی را تعقیب می‌نموده‌اند و به این جریان به صورت مکانیکی سرعت می‌بخشیده‌اند ولی جریان اسکان در زمان‌های دور و به‌طور مختلف در میان عشایر وجود داشته و بارزترین آن نیز دیرپایی سنت‌های یک جانشینی در آبادی‌های کوچ و محیط‌های بزرگ ایلی است. تشدید و کندی آهنگ اسکان عشایر نیز به عوامل سیاسی، اقتصادی، تکنولوژی و محیطی مرتبط است که در گذر تاریخ، حیات اجتماعی و اقتصادی کوچ‌نشینان را متأثر ساخته است (کرم پور، امراله. سال ۱۳۸۰، ص ۳۰). اما دلایل ضرورت اسکان به‌طور اعم عبارتند از:

- توسعه سریع ارتباطات و تکنولوژی. بنابراین جوامع عشایری هم متأثر از پیشرفت‌های تکنولوژیکی به سوی اسکان انگیزه پیدا می‌کنند. برنامه‌های اسکان و ساماندهی عشایر نیز در این فرایند، تاثیرات کمابیش متفاوتی را داشته‌اند (Bailey:1999;Sanlaville:2000:14).

- ناهماهنگی در آهنگ حرکت‌های اقتصادی، اجتماعی به سوی اهداف توسعه در بین جوامع شهری عشایری و روستایی

- پیچیده شدن روابط زندگی جوامع بشری در طول زمان. جایگزینی چارپایان با وسایل و تجهیزات کشاورزی، تلویزیون، رادیو و... با یک نگاه ساده رابطه مستقیم و صعودی اسکان را علیه کوچ‌نشینی نشان می‌دهد.

- ناعادلانه بودن توزیع امکانات و خدمات کشوری نسبت به بهره‌مندی از امکانات جامعه بین یک فرد عشایری و یک فرد شهری

- پایین بودن درآمد عشایر در مقایسه با روستا و شهر بسیار جالب توجه است. در نگاه اولیه به نظر می‌رسد که دامداران عشایری از درآمد خوبی برخوردارند ولی متأسفانه هیچگاه تحقیقی علمی از برآورد درآمدی، از زندگی عشایری به عمل نیامده است.

- سوء تغذیه، مرگ و میر بالا، بهداشت پایین، پوشش نامناسب، پایین بودن کالری مورد نیاز بدن و دسترسی نداشتن به امکانات تحصیلی و غیره را اضافه کنیم. همه این عوامل دست به دست هم داده تا گرایش به اسکان در عشایر بالاتر رود.

- نارسایی در تعلیف دام و تخریب مراتع یکی از عوامل مهم تمایل عشایر به اسکان می‌باشد، در جایی که دامدار عشایری مجبور است بخش وسیعی از علوفه مورد نیاز خویش را از طریق مزارع و واسطه‌ها و شهر خریداری کند تحرک و کوچ در این‌جا چه مفهومی دارد؟

- سازگاری نسل جدید عشایر در انطباق با شرایط جدید زندگی به وضوح قابل تشخیص است. نسل جدید عشایر به دلیل این که خود را در فضایی از فاکتورهای متعدد زندگی در زمینه‌های خوراک، پوشاک، مسکن، اشتغال، کسب درآمد و سود، تحصیل، تفریح، ارتباطات، انتقالات و ... می‌بینند و عملاً هم در این محدوده قرار گرفته، نمی‌تواند زندگی خود را با فاکتورهایی انطباق دهد که در واقع شاخص‌های محرومیت و عقب ماندگی هستند.

- کوچ ناقص و نیاز به ثبات یکی دیگر از جاذبه‌های اسکان می‌باشد. ایلات و قبایل عشایری اغلب تمام سال را در کوچ نیستند، تعداد زیادی از این ایلات از یک تا سه فصل در روستاهای خود ساکن هستند، از این گذشته نیاز به کشاورزی و مالکیت بر زمین ایجاب می‌کند که برخی از ایلات و طوایف سکونت‌گاه‌هایی را داشته باشند، از طرفی دیگر نآرامی‌های حاصل از کوچ، نیاز آرامش حاصل از ثبات و سکونت هر چند موقت را به دنبال دارد طبق سرشماری سال ۱۳۶۶ عشایر کوچ رونده ۵۲ درصد از خانوارها، تمام دوره قشلاق را در ساختمان مستقر بوده‌اند.

از طرف دیگر ۴۸/۵ درصد خانوارها، فقط دامداری و ۳۷/۶ درصد به کسب و دامداری و زراعت اشتغال داشته‌اند. این ارقام بیانگر آن است که روند اشتغال و هم روند اسکان عشایر رو به ثبات می‌رود (مهندسی‌ن مشاور هامون. جداول آماری سال. ۱۳۶۶ص ۸).

۲-۳- پیشینه تحقیق:

تاکون به جز رساله دکتری آقای دکتر اسکندر صیادی درسه کانون توسعه‌ی "بکان" در استان فارس، "قرب" در استان چهارمحال و بختیاری و "گل افشان" در استان اصفهان و کار تحقیقاتی آقای جعفر صالحی در دو کانون "گل افشان" و "چشمه رحمان" هیچ‌گونه مقایسه عملی و تحقیقاتی در ایران صورت نگرفته است.

۲-۴- معرفی کانون‌های اسکان ملایی بلوط - تل شوره

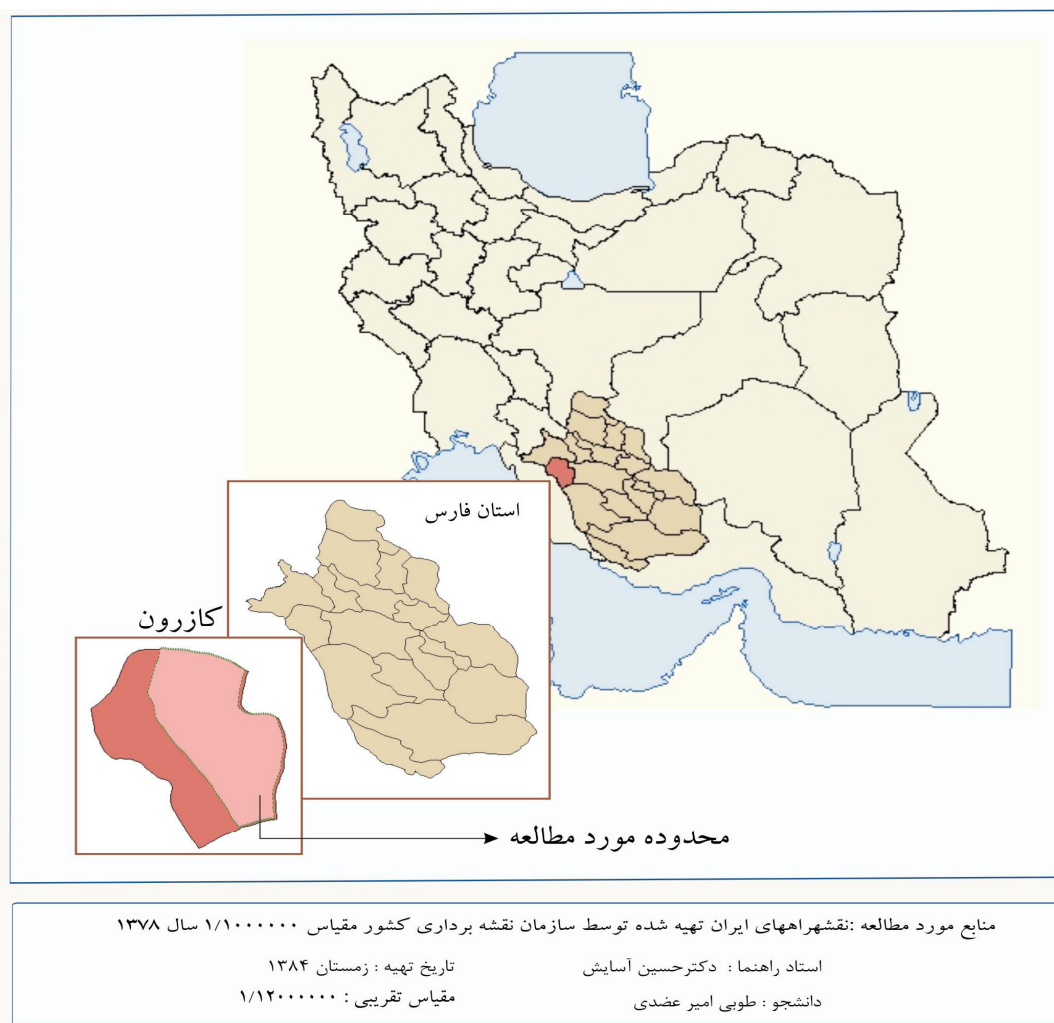
به دلیل این که عشایر هر دو کانون تل شوره و ملایی بلوط از ایل قشقایی هستند، لذا اوضاع اجتماعی هر دو کانون را تحت یک تیتر بررسی می‌کنیم:

کانون تل شوره در جنوب شرقی شهرستان کازرون واقع گردیده و از نظر موقعیت جغرافیایی بین مدارهای ۲۶ ۴۹ ۵۱ طول و ۰۸ ۲۵ ۲۹ عرض شمالی قرار گرفته است، این منطقه از شمال به شهرستان کازرون و دریاچه پریشان، از شرق به دهستان فامور، از غرب به دهستان بیدزرد و از جنوب به شهرستان فیروزآباد محدود می‌گردد. از نظر توپوگرافی محدوده مورد مطالعه دشت بوده که وسعت آن ۲۰ هکتار است و متوسط ارتفاع آن از سطح دریا ۹۲۵ متر می‌باشد. منطقه مورد مطالعه، تابع دهستان‌های جره و بلیان از توابع بخش مرکزی و جره از توابع شهرستان کازرون بوده و مشتمل بر ۸ روستا و ۷ بنکوی عشایری از طوایف فارس‌میدان، دره شوری و کشکولی بزرگ از ایل قشقایی می‌باشد. این کانون در فاصله ۲۸ کیلومتری کازرون واقع شده است. کانون توسعه ملایی بلوط با وسعت ۱۰ هکتار واقع در ۸ کیلومتری کازرون و در شمال غرب این شهرستان واقع شده است و از نظر موقعیت جغرافیایی بین مدارهای ۵۱ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۴۷ دقیقه طول شرقی و ۲۹ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۲۹ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است و از سال ۱۳۸۱ تاسیس شده است.

این کانون از جنوب و جنوب غرب به روستاهای بلیان و مهرنجان، از غرب به شهرستان کازرون از شمال به کوه‌های دشتک دوان و از جنوب غرب به دریاچه پریشان محدود می‌باشد. از لحاظ سیاسی منطقه ملایی بلوط تابع دهستان بلیان از توابع بخش مرکزی شهرستان کازرون می‌باشد. در این محدوده جوامع روستایی وجود ندارد.

هر دو منطقه تل شوره و ملایی بلوط، به دلیل شرایط اقلیمی و طبیعی از گذشته‌های دور به‌عنوان منطقه قشلاقی بعضی از طوایف ایل قشقایی محسوب گردیده است. به‌درستی تاریخ استقرار عشایر در این منطقه روشن نیست ولی بعضی از مردم‌شناسان معاصر، زمان مهاجرت عشایر ایل قشقایی را به منطقه‌های مورد مطالعه، هم‌زمان با بازگشت قشقایی‌ها از خراسان به فارس می‌دانند. آنچه مسلم است این که در دوران‌های اوج قدرت و اقتدار عشایر، قسمت‌های زیادی از مناطق غرب، جنوب و شمال استان فارس، جولانگاه عشایر بوده و توسط حکومت‌های خودمختار خوانین عشایری اداره می‌گردیده و حکومت‌های مرکزی کمتر نقشی را در اداره این مناطق داشته‌اند. به لحاظ این که عشایر هر دو کانون از طوایف ایل قشلاقی بوده لذا جهت بررسی سابقه تاریخی عشایر منطقه و تحولات آن، تاریخ ایل قشقایی را به‌طور اجمال مورد بررسی قرار می‌دهیم:

ایل قشقایی یکی از بزرگ‌ترین ایلات عشایری ایران می‌باشد:



نقشه ۱ - محدوده مورد مطالعه

قلمرو بیلاق و قشلاق آن‌ها قسمتی از استان‌های فارس، بوشهر، کهگیلویه، خوزستان و اصفهان را در بر می‌گیرد. از شواهد و قراین تاریخی چنین بر می‌آید که ایل قشقایی قبل از دوره صفویه در حدود ششصد سال پیش، از منطقه قفقاز، شمال ایران به شرق ایران مهاجرت نموده‌اند و سپس در زمان شاه عباس صفوی (۹۹۸-۱۰۳۸ ب) از آن‌جا به استان فارس کوچ کرده‌اند. جد بزرگ قشقایی‌ها، امیر قاضی شاملو قشقایی می‌باشد، فرزند وی به نام جانی آقا قشقایی از صاحب منصبان دربار شاه عباس محسوب می‌شده است. نوه جانی آقای دوم به نام محمدعلی جانی در زمان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق) به سبب اقتدار و قدرت، لقب ایلخانی گرفت و این اولین باری بود که لقب ایلخانی به ایل قشقایی داده شد. وی ایلخان کل ایلات فارس (قشقایی، خمسه، ممسنی و غیره) گردید و در زمان او نیمی از مناطق فارس زیر نظر وی اداره می‌شده است. پس از محمد علی خان دو پسر برادر او به نام‌های سهراب خان (۱۲۴۱-۱۲۹۱ ق) و داراب خان (۱۲۴۵-۱۳۰۸ ق) به ترتیب ایلخان‌های فارس گردیدند و رشادت‌ها و شبیخون‌های پیاپی آن‌ها به قوای انگلیس در جنوب ایران از اذهان ناظرین به صفحات تاریخ منتقل شده است. در زمان ایلخانی این دو برادر که مقارن با

حکومت دولت قاجار بود، قشقایی‌ها مبارزات زیادی را علیه مظالم دولت مرکزی و دخالت‌ها و حضور انگلیس در جنوب ایران انجام دادند و ضربات زیادی را به قوای انگلیس در جنوب ایران وارد نمودند که به همین منظور دولت مرکزی سعی در تضعیف و سرکوب آن‌ها داشت. یکی از اقداماتی که جهت مقابله با قشقایی‌ها توسط دولت قاجار با همفکری و همکاری انگلیسی‌ها انجام گرفت تشکیل ایل خمسه متشکل از طایفه عرب و باصری فارس بود. (سازمان امور عشایر. سال ۱۳۷۳، ص ۴۰۲).

۳-۲- اوضاع طبیعی منطقه مورد مطالعه

محدوده مطالعاتی (دشت پریشان) در فاصله ۱۶۰ کیلومتری جنوب غرب شهر شیراز در فاصله ۱۵ کیلومتری جنوب شرق شهر کازرون قرار گرفته و بین طول‌های جغرافیایی ۳۸° - ۵۱° تا ۲° - ۵۲° و عرض‌های جغرافیایی ۲۶° - ۲۹° تا ۳۴° - ۲۹° واقع و دارای ۲۳۰ کیلومتر مربع مساحت کلی که حدود ۱۵۴ کیلومتر مربع آن را دشت تشکیل می‌دهد، می‌باشد. ارتفاع متوسط این محدوده نسبت به سطح دریا حدود ۹۵۲ متر می‌باشد

متوسط بارش ۲۸ ساله برابر با ۴۲۱/۴ میلی‌متر و متوسط درجه حرارت سالانه ۲۲/۴ درجه سانتی‌گراد برآورد گردیده است. عشایر هر دو کانون تل شوره و ملایی بلوط از ایل قشقایی بوده و به ترتیب در ۲۸ کیلومتری و ۸ کیلومتری شهر کازرون ساکن گردیده‌اند.

هر دو منطقه تل شوره و ملایی بلوط، به دلیل شرایط اقلیمی و طبیعی از گذشته‌های دور (زمان مهاجرت عشایر ایل قشقایی از خراسان به فارس) به‌عنوان منطقه قشلاق و استقرار عشایر محسوب گردیده است. متوسط بارش ۲۸ ساله برابر با ۴۲۱/۴ میلی‌متر و متوسط درجه حرارت سالانه ۲۲/۴ درجه سانتی‌گراد برآورد گردیده است. عشایر هر دو کانون تل شوره و ملایی بلوط از ایل قشقایی بوده و به ترتیب در ۲۸ کیلومتری و ۸ کیلومتری شهر کازرون ساکن گردیده‌اند. هر دو منطقه تل شوره و ملایی بلوط، به دلیل شرایط اقلیمی و طبیعی از گذشته‌های دور (زمان مهاجرت عشایر ایل قشقایی از خراسان به فارس) به‌عنوان منطقه قشلاق و استقرار عشایر محسوب گردیده است.

جمعیت عشایری کانون تل شوره متشکل از: یک طایفه، دو تیره و سه بنکو و کانون ملایی بلوط شامل یک طایفه، دو تیره و سه بنکو می‌باشد که در جدول زیر به تفکیک مشاهده می‌شود.

جدول ۱ - کانون‌های توسعه برحسب رده‌های ایلی در سال ۱۳۸۴

ایل	طایفه	تیره	بنکو	خانوار	تعداد نفر	کانون توسعه
قشقایی	دره شوری	قرمزی	آقا محمد لو	۳۰	۲۰۲	ملایی بلوط
قشقایی	دره شوری	قرمزی	صاحب الزمانی	۳۳	۲۲۳	ملایی بلوط
قشقایی	فارسیمدان	گرجائی	گرجائی	۱۰	۶۵	تل شوره
قشقایی	فارسیمدان	ماچانلو	محمدی			تل شوره
قشقایی	فارسیمدان	ماچانلو	حسینی	۱۲۵	۸۲۵	تل شوره

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

کانون‌های مزبور از پتانسیل منابع آب سطحی و زیر زمینی و اراضی مساعدی برخوردار است و امکان تلفیق منابع آب و خاک و دامپروری به خوبی فراهم می‌باشد.

بر اساس بررسی‌های میدانی تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌های تکمیلی که به تعداد ۹۶ پرسش نامه بین خانوارهای موجود توزیع و تکمیل گردیده ارزیابی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۴ - ارزیابی اقتصادی کانون‌های اسکان

ویژگی‌های اقتصادی شامل کلیه فعالیت‌هایی است که برای تأمین معاش انجام شود و یا موجب کسب درآمد و ثروت گردد. این ویژگی‌ها دارای جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در همه شیوه‌های معیشتی می‌باشد به خصوص در شکل‌گیری و تداوم حیات کانون‌های توسعه و اسکان عشایر نقش بسیار تعیین کننده ای دارد. به طوری که کوچ نشینان یکی از دلایل روی‌آوری به اسکان را عدم توجیه اقتصادی شیوه دامداری سنتی می‌دانند.

برای بررسی وضعیت درآمد نسبت به قبل از اسکان در پرسش‌نامه این سؤال مطرح شد که آیا وضعیت درآمد نسبت به قبل از اسکان تغییر کرده و این تغییر چگونه بوده است که ۳۷/۷ درصد پاسخگویان اعلام داشته‌اند که درآمد آن‌ها کم شده، ۳۵/۸ درصد کمی تغییر کرده و ۲۶/۴ درصد تغییر نکرده است. توزیع فراوانی نظرات در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲ - توزیع فراوانی نظرات هر یک از ساکنان کانون‌های اسکان تل شوره و ملایی بلوط در خصوص تغییر وضعیت درآمد نسبت به کوچ نشینی

ردیف	وضعیت درآمد	فراوانی	درصد
۱	کمتر شده	۲۰	۳۷/۷
۲	فرقی نکرده است	۱۴	۲۶/۴
۳	کمی بهتر شده است	۱۹	۳۵/۸
۴	جمع	۵۳	۱۰۰

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

تحلیل صنایع دستی عشایری مجموع دو کانون شامل قالی بافی، گلیم بافی، جاجیم بافی می‌باشد. ترتیب اولویت و درصد آشنایی با این صنایع در جدول ۴ نشان داده شده است. بیش از ۹۰ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه اعلام داشته‌اند که با صنایع دستی آشنایی دارند ولی در حال حاضر به آن نمی‌پردازند. دلیل اصلی، برای عشایر ملایی بلوط نبودن بازار مصرف صحیح و برای عشایر تل شوره کمبود سرمایه مواد اولیه و بازار مصرف است.

در زندگی کوچ نشینان علاوه بر دامداری که محور اساسی معیشت آن‌هاست و صنایع دستی که مکمل آن است، کشاورزی به ویژه زراعت و باغداری، نیز نقش قابل ملاحظه‌ای در اقتصاد آنان داراست که اگر شرایط انجام زراعت فراهم گردد مثل واگذاری زمین (مالکیت)، انطباق فصل کشت و کوچ یا حمایت دستگاه‌های دولتی و... می‌تواند به عنوان یکی از فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی خانوارهای عشایری محسوب گردد. نوع محصولات زراعی در منطقه مورد مطالعه اکثراً گندم و جو بوده و در پاره‌ای موارد نیز کشت حبوبات مثل نخود و عدس صورت می‌گیرد.

و اما تغییرات تولیدات عشایر اسکان یافته در کانون‌های اسکان نسبت به دوره کوچ نشینی که در جدول ۳ ارائه شده است، در مجموع حدود ۶۴ درصد پاسخگویان پژوهش بر این نظرند که در تولیدات کشاورزی عشایری یا تغییری حاصل نشده و یا کمتر شده است و یا آن‌ها اعتقاد دارند که تغییراتی در تولیدات ایجاد شده است.

جدول ۳- توزیع فراوانی و نظرات عشایر در خصوص تغییرات در تولیدات کشاورزی نسبت به دوره کوچ‌نشینی

ردیف	نوع تغییرات	فراوانی	درصد
۱	کمتر شده است	۱۸	۳۴
۲	تغییر نداشته است	۱۶	۳۰/۲
۳	کمی افزایش داشته است	۱۷	۳۲/۱
۴	افزایش زیادی داشته است	۲	۳/۸
۵	جمع	۵۳	۱۰۰

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

در منطقه مورد مطالعه اگر کشت محدودی هم صورت گیرد ۹۱/۱ درصد تولیدات و محصولات کشاورزی عشایر را واسطه‌ها با قیمت پایین‌تر از حد واقعی خریداری می‌کنند که حاکی از تضعیف و تضییع حقوق تولید کننده می‌باشد.

جدول ۴ توزیع فراوانی و درصد خریداران محصولات کشاورزی عشایر اسکان یافته را نشان می‌دهد. به غیر از واسطه‌ها سایر خریداران تنها ۸/۹ درصد از محصولات عشایر را خریدارند.

جدول ۴- توزیع فراوانی و درصد خریداران محصولات کشاورزی عشایر منطقه مورد مطالعه

ردیف	خریداران محصولات	فراوانی	درصد	درصد با حذف بدون جواب
۱	مصرف کنندگان	۱	۱/۹	۲/۲
۲	واسطه‌ها	۴۱	۷۷/۴	۹۱/۱
۳	عمده فروشان	۲	۳/۸	۴/۴
۴	خرده فروشان	۱	۱/۹	۲/۲
۵	بدون جواب	۸	۱۵/۱	—
۶	جمع	۵۳	۱۰۰	۱۰۰

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد ۹۱/۱ درصد از خریداران را واسطه‌ها تشکیل می‌دهد و در واقع می‌توان نتیجه گرفت که سود اصلی به جیب دلان رفته و به همین دلیل است که عشایر گرایش به تولید صنایع دستی ندارند.

از تحلیل ساختار دامداری کانون‌های اسکان مورد مطالعه چنین بر می‌آید که اکثریت قریب به اتفاق عشایر مستقر در دو کانون تمایل به اجرای کار پرورش دام به صورت پرواربندی دارند میزان تمایل در کانون تل شوره ۹۶/۹ درصد و در کانون ملائی بلوط ۹۵/۲ درصد می‌باشد که در جدول ۵ آورده شده است. در توسعه و اجرای فعالیت دامداری به صورت پرواربندی، پاسخگویان امکانات و شرایط زیر را لازم و ضروری دانسته‌اند.

- کمک مالی و اعطای تسهیلات
 - فراهم کردن علوفه و خوراک دام
 - خدمات دامپزشکی
 - فراهم کردن زمین و آب
 - فراهم کردن جایگاه دام و محل پروار بندی
 که البته در این خصوص جای بحث است و اساساً پروار بندی گوسفند چه به لحاظ سرمایه، تخصص، مکان و از همه مهم تر پرورش خود دام (گوسفند) که با مکان های سر بسته مغایرت دارد بسیار مشکل تر از دامداری به شیوه رمه گردانی است.

جدول ۵ - توزیع فراوانی و درصد نظرات عشایر در خصوص تمایل به پروار بندی به تفکیک دو کانون ملایی بلوط و تل شوره

کانون ملایی بلوط		کانون تل شوره		نظرات پاسخگویان	ردیف
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۹۵/۲	۲۰	۹۶/۹	۳۱	بلی	۱
۴/۸	۱	۳/۱	۱	خیر	۲
۱۰۰	۲۱	۱۰۰	۳۲	جمع	۳

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

همچنین در مورد این که آیا دامداری کار پرمفعتی است، عشایر مخالف بودند متوسط ۵۰/۵ درصد از پاسخگویان با این که آیا دامپروری کار پرمفعتی است؟ کاملاً مخالف هستند و تنها ۱۰/۲ درصد موافق این امر می باشند و در خصوص خریداران محصولات دامی، بیش از ۹۱ درصد خریداران را واسطه ها و دلال ها تشکیل می دهند که موارد فوق در جدول ۶ نشان داده شده اند. این موضوع حکایت از این دارد که سود دامداری به جیب دلال ها و واسطه ها می رود و به علت نبودن مراکز دولتی (اگر هم هست فقط در مرکز استان) و با در دسرهای فراوان که پول را بلافاصله نمی دهند در نتیجه عشایر که خسته از راه رسیده اند، دام های خود را به هر قیمتی به چوبداران و دلالان می فروشند و در نتیجه خیلی طبیعی است که عشایر اعلام دارند دامداری کار پرمفعتی نیست.

جدول ۶ - توزیع فراوانی و درصد خریداران محصولات دامی عشایر کانون های اسکان

کانون ملایی بلوط		کانون تل شوره		خریداران محصولات دامی	ردیف
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۰	۰	۰	۰	مصرف کنندگان	۱
۹۵/۲	۲۰	۸۷/۵	۲۸	واسطه ها و دلال ها	۲
۰	۰	۳/۱	۱	عمده فروشان	۳
۰	۰	۶/۳	۲	خرده فروشان	۴
۴/۸	۱	۳/۱	۱	سایر	۵
۱۰۰	۲۱	۱۰۰	۳۲	جمع	۶

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

وضعیت دام و متوسط تعداد دام که در اختیار عشایر اسکان یافته می‌باشد در قبل و بعد از اسکان متفاوت بوده و بعد از اسکان نیز کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است که از مشکلات خاصی ناشی می‌باشد، آن‌ها را به ترتیب اولویت رتبه‌بندی کرده‌ایم. وضعیت تعداد دام در قبل و بعد از اسکان و رتبه‌بندی مشکلات دامداری در جدول‌های ۷ و ۸ آورده شده است. مهم‌ترین مشکل اسکان یافتگان کمبود خوراک علوفه برای دام‌ها می‌باشد که رتبه اول اهمیت را داراست.

جدول ۷- وضعیت متوسط تعداد دام در اختیار هر یک از عشایر در قبل و بعد از اسکان

تعداد دام (رأس)		وضعیت اسکان	ردیف
ملائی بلوط	تل شوره		
۱۷۴	۱۴۴	قبل از اسکان	۱
۸۶	۲۶	بعد از اسکان	۲

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

جدول ۸ - مشکلات دامداران عشایر و رتبه‌بندی مشکلات دو کانون اسکان

کانون ملائی بلوط		کانون تل شوره		مسائل و مشکلات	ردیف
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱	۵۷/۱	۱	۸۱/۳	کمبود خوراک علوفه برای دام	۱-
۵	۴/۸	۴	۱۵/۶	کمبود پول، وام و سرمایه	۲-
۲	۴۲/۹	۲	۳۱/۳۰	کمبود مرتع و زمین	۳
۳	۲۳/۸	۳	۲۸/۱	کمبود آب	۴
۴	۹/۵	۵	۹/۴	کمبود امکانات دامپزشکی و جایگاه نگهداری	۵
-	۰	۶	۶/۳	مشکل فروش محصولات دامی	۶

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

دلایل اسکان عشایر مورد مطالعه در دو کانون تل شوره و ملائی بلوط در ۶ قالب کلی به شرح زیر طبقه‌بندی شده است:

- مشکل در آموزش و تحصیل فرزندان
 - خستگی راه و خستگی از کوچ‌نشینی
 - نداشتن زمین
 - امید بستن به وعده‌های داده شده از طرف دولت
 - قشلاقی بودن منطقه اسکان
 - امید به بهره برداری از امکانات رفاهی بهتر
- نتایج حاصله از نظرات عشایر و رتبه‌بندی دلایل به تفکیک هر کانون اسکان در جدول ۹ آورده شده است.

جدول ۹ - دلایل اسکان از نظرات عشایر مورد مطالعه و رتبه‌بندی دلایل در کانون‌های اسکان

ردیف	دلایل	کانون تل شوره			کانون ملایی بلوط		
		رتبه	درصد	فراوانی	رتبه	درصد	فراوانی
۱	مشکل در آموزش و تحصیل فرزندان	۲	۶/۳	۵	۳	۱۴/۳	۳
۲	خستگی راه و خستگی کوچ‌نشینی	۹	۲۸/۱	۲	۱۵	۷۱/۴	۱
۳	نداشتن زمین	۱	۳/۱	۶	۵	۲۳/۸	۲
۴	امید به وعده‌های داده شده	۸	۲۵	۳	۱	۴/۸	۵
۵	قشلاقی بودن منطقه اسکان	۴	۱۲/۵	۴	۰	۰	۰
۶	بهره‌برداری از امکانات رفاهی بهتر	۱۵	۴۶/۹	۱	۲	۹/۵	۴

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

۵ - معایب و ضعف‌های اسکان:

از دیدگاه پاسخگویان پژوهش، اسکان چهار ضعف کلی دارد که نتایج حاصل از نظرات آن‌ها در جدول ۱۰ شرح داده شده است. براساس نتایج مندرج در جدول زیر ۶/۳۹ درصد از عشایر مورد مطالعه نبود امکانات رفاهی مناسب را به‌عنوان بزرگ‌ترین و عمده‌ترین ضعف اسکان، مورد اشاره قرار داده‌اند و نداشتن امکانات بهداشتی را به چهارمین ضعف اسکان می‌دانند.

جدول ۱۰ - فراوانی و درصد ضعف‌های اسکان از نظر عشایر مورد مطالعه

ردیف	ضعف‌های اسکان	فراوانی	درصد	رتبه
۱	نبودن شغل برای کار و فعالیت	۱۸	۳۴	۲
۲	نبودن امکانات رفاهی	۲۱	۳۹/۶	۱
۳	نداشتن آب و زمین	۱۲	۲۲/۶	۳
۴	نبودن بهداشت مناسب	۱۱	۲۰/۸	۴
۵	ضعفی وجود ندارد	۷	۱۳/۲	-

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

- نکات قوت اسکان

براساس نتایج مندرج در جدول ۱۱ اسکان از نظر عشایر مورد مطالعه دارای سه قوت کلی و عمومی می‌باشد که به ترتیب اولویت عبارتند از:

- ۱- راحت شدن از رفت و آمد کوچ
- ۲- آسایش بیشتر و فراهم شدن امکانات
- ۳- حل مشکلات به صورت جمعی

با توجه به این که ۲۶/۴ درصد از عشایر مورد مطالعه راحت شدن از رفت و آمد و کوچ را به‌عنوان یکی از نقاط قوت اسکان، مورد اشاره قرار داده‌اند می‌توان استنباط کرد که معضلات و مشکلات ناشی از کوچ‌نشینی برای عشایر بسیار بوده و از این امر رنج می‌برده‌اند.

جدول ۱۱- نکات قوت اسکان از نظر عشایر مورد مطالعه

ردیف	نکات قوت	فراوانی	درصد	رتبه
۱	راحت شدن از رفت و آمد کوچ	۱۴	۲۶/۴	۱
۲	حل مشکلات به صورت جمعی	۶	۱۱/۳	۳
۳	آسایش بیشتر و فراهم شدن امکانات	۱۱	۲۰/۸	۲
۴	قوتی ندارد	۵	۹/۴	—

نتیجه‌گیری و ارائه راهکار:

هدایت و حمایت عشایر به اسکان برای ساماندهی و اجرای برنامه توسعه جامعه عشایری از اهداف اولیه مجریان و دستگاه‌های ذیربط بوده است. اسکان اگر با تجارب، پیشینه و عشق و علاقه و مشارکت عشایر همخوانی نداشته باشد، موجبات اشتغال و امیدواری را در عشایر ایجاد نکند، نویدی برای زندگی بهتر، سالم‌تر و امن‌تر نباشد و همراه با برنامه‌ریزی جامع، حمایت و پشتیبانی عرضه خدمات لازم نباشد، نتیجه عکس خواهد داد زیرا تشکیل و پایداری کانون‌های اسکان منوط به ایجاد منابع تولید و درآمد و سپس دسترسی به خدمات مناسب می‌باشد همان‌طوری که قبلاً هم گفته شد، بحث بر سر کوچ و یا اسکان نیست، بلکه بحث بر بالا رفتن و ارتقای سطح زندگی عشایر برای رسیدن به توسعه پایدار از طریق تغییر شیوه تولید است. اساساً باید تحولی بنیادین در زندگی عشایری به وجود آید. تحولی در زیست عشایری که باعث توسعه شود نه توسعه ای که تحول در زیست عشایری را ممکن می‌سازد. مسلماً تحول در زیست عشایری نه به آن سبب که این نحوه زیست مانع عمده توسعه است بلکه بدان سبب که خود جزء با اهمیتی از فرآیند توسعه است و ارتباط سیستمی با طرح توسعه دارد. اگر تحول در زندگی عشایری باشد، اولاً به خودی خود، به آن لحاظ که عشایر بخش مهمی از ثروت و ارزش‌ها و کالاهای مصرفی را تولید می‌کند. ولی خود در محرومیت به سر می‌برند، به‌عنوان هدف توسعه همگانی و انسانی مطرح می‌شود. بنابر این راه توسعه و تحول در زندگی عشایری باید در نگرش به کمیّت نظام اقتصادی و اجتماعی به‌دست آید.

اسکان عشایر در شرایط فعلی باید به‌عنوان ساماندهی عشایر باشد. زیرا اسکان شتاب‌زده و بی برنامه سرانجام اسکان در کانون توسعه تل شوره را خواهد داشت. اسکان باید با توجه به شرایط هر منطقه باشد، برای هر زیست بوم نباید اسکان را تجویز کرد. در مرحله بعد باید اسکان را با برنامه‌ریزی و طی برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت انجام داد.

اسکان صرف، کاملاً بی‌معنا است. بهترین حالت برای عشایری که هنوز کوچ می‌کنند (ملایی بلوط) تغییر شیوه تولید از شبانی به ترانس‌هومانس است. چون تا بی‌یلاق این عشایر یعنی منطقه کوه پهن‌دشت ارژن، در حدود ۵۰ کیلومتر مسافت است که عشایر طی مدت ۳ الی ۵ روز پیاده طی می‌کنند و از طرف دیگر به خاطر نزدیکی به شهرستان کازرون (۵ کیلومتر) کلیه امکانات را می‌توانند داشته باشند و شیوه ترانس‌هومانس می‌تواند کاملاً جوابگو باشد. برای عشایر ساکن کانون تل شوره که دیگر کوچ نمی‌کنند بایستی شیوه معیشت را از طریق ترویج صنایع دستی به صورت تاسیس هنرستان، اعزام مروج، ایجاد کارگاه‌های تولیدی صنایع دستی و بازار فروش محصولات تولیدی و همچنین در اختیار گذاشتن وام و مواد اولیه تغییر داد تا به ایجاد اشتغال پایدار در منطقه کمک شود. ایجاد بازارها و نمایشگاه‌هایی که محصولات عشایر را کدبندی کرده و به علاقه‌مندان داخلی و خارجی ارائه کنند، فرش‌های دستباف زنان عشایری (قشقایی) می‌تواند به بازارهای جهانی راه پیدا کند در صورتی که متولی امر وجود داشته باشد.

منابع:

- ۱- آسایش، حسین. مشیری، رحیم. روش‌ها و تکنیک‌های تحقیق در علوم اجتماعی با تاکید بر جغرافیا. نشر قومس. سال ۱۳۸۱.
- ۲- ا. الیوت، جنیفر. (مترجمان رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و حسین رحیمی) مقدمه‌ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه. وزارت جهاد. سال ۱۳۷۸.
- ۳- کیاوند، عزیز. سیاست، حکومت، عشایر. انتشارات صنم سال ۱۳۸۰.
- ۴- جهانگیری، محمدحسن. ارزیابی اثرات اسکان. سازمان امور عشایر. ۱۳۸۲.
- ۵- مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر. سازمان امور عشایر. سال ۱۳۸۳.
- ۶- مرکز آمار ایران. سرشماری عشایر کوچنده. سال ۱۳۷۷.
- ۷- مهندسین مشاور هامون جداول آماری. ۱۳۶۶.
- 8-Baily, garrick and etal (2002), *humanity:introduction to cultural anthropology*, sixth edition, wasdworth.
- 9-Hirst, paul and etal (1984), *social formation and mode of Production*, new jersy: humanitiespress.
- 10-*management and arid lands*, NGO forum for food.
- 11-Pugliese ptriza (2001) "organic farming and sustainable rural Development: A multi faceted and promising convergence", in *Sociologic ruralis*, vol, 41, European society for rural Sociology.